

اروپایی‌ها در حال بستن پنجره دیپلماسی هستند



سهراب سعدالدین
کارشناس مسائل اروپا

بعد از انقلاب اسلامی در ایران روابط ایران و اروپا با فرازونشیب‌های زیادی مواجه شده‌است، اما در حال حاضر می‌توان گفت که ایران و اروپا در یکی از سردترین مقاطع تاریخ روابطشان قرار دارند. واقعیت این است که مدت‌هاست بر جام به‌عنوان یک توافق چندجانبه، موضوعیت خود را از دست داده‌است. اگر با دقت به موضع‌گیری‌های دولت‌های اروپایی در سال‌های اخیر توجه کنیم، می‌بینیم که قدرت‌های اروپایی مدت‌هاست که دیگر در قالب تعهدات برجامی با ایران گفت‌وگو نمی‌کنند. توقعی هم که سه قدرت اروپایی در مورد گفت‌وگوها و مذاکرات احتمالی با ایران بیان می‌کنند، چارچوب یک گفت‌وگوی جامع در موضوع‌های مختلف است. مدت‌هاست که اروپایی‌ها در کنار مسئله هسته‌ای مسائل دیگری را مانند اشاعه موشکی و اشاعه پهپادی در روابط خود با ایران مطرح می‌کنند. علاوه بر این اخیراً شاهد اتهام‌زنی‌های مضاعف به ایران در حوزه تروریسم هستیم؛ ادعاهایی که در همین هفته‌های اخیر هم با بازداشت تعدادی از اتباع ایرانی در کشورهای اروپایی مانند بریتانیا و آلمان مطرح شده‌است. حتی در یک اقدام بی‌سابقه، رئیس‌جمهور فرانسه دستور تشکیل جلسه شورای امنیت ملی این کشور را با محور ایران صادر کرد. در واقع اروپا یک بسته جامع تهدید را علیه ایران مطرح می‌کند و دنبال این هستند که در چارچوب یک مذاکره جامع یک بسته جامع امتیازی در حوزه‌های مختلف، نه صرفاً هسته‌ای، از ایران دریافت کنند. حمله اخیر اسرائیل به ایران هم درست بلافاصله پس از فضا سازی سه کشور اروپایی در آژانس و صدور قطعنامه ضد ایرانی براساس گزارشی که مدیرکل آژانس به‌خواست کشورهای اروپایی نگاشته‌بود، انجام گرفت. واقعیت این است که فضا سازی اروپایی‌ها در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شکل غیرمستقیم به عنوان عامل و دستاویز حمله اسرائیل به ایران تلقی شد. تهدید کنونی سه کشور اروپایی به فعال سازی مکانیسم ماشه و برگرداندن ۶ قطعنامه شورای امنیت تحت فصل ۷ منشور ملل متحد، عملاً به نوعی مقدمه‌چینی برای اقدام نظامی است. معنای تلویحی بازگشت ایران به ذیل فصل ۷ منشور ملل متحد به این معنا است که دولت‌های غربی به این نتیجه رسیده‌اند که در چارچوب تعامل دیپلماتیک نتوانسته‌اند با ایران به نتیجه‌ای برسند و درصدد این هستند که در چارچوب استفاده از زور به اهداف خودشان در ایران برسند. به همین دلیل هم هست که وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در مصاحبه با روزنامه لوموند فرانسه اقدام به فعال سازی مکانیسم ماشه را به مثابه اقدام نظامی علیه ایران تلقی می‌کند. زمانی که دونالد ترامپ، در دور نخست ریاست جمهوری خود از برجام خارج شد، اروپایی‌ها به عنوان طرف‌های باقی‌مانده در توافق تاکید کردند که این توافق همچنان معتبر است. اما در طول ۷ سال گذشته، عملاً نتوانستند به تعهدات خودشان در این توافق عمل کنند ولی در مقابل از ایران توقع داشتند که تمامی تعهدات خودش را در قالب برجام عملی کند. ایران هم در چارچوب برجام در پنج گام تعهدات خود را کاهش داد. اروپایی‌ها تلاش کردند فشارهای چندبعدی به ایران وارد کنند که ایران را وادار به بازگشت به تعهدات برجامی کنند. بعد از گذشت ۷ سال از خروج آمریکا از برجام، تلاش اروپایی‌ها این است که ایران را به عنوان یک تهدید چندوجهی مطرح کنند. اروپایی‌ها به جای اینکه تلاش کنند توافق جدیدی شکل بگیرد یا توافق برجام حفظ شود، وزن خود را پشت این گذاشتند که امتیازهای بیشتری از ایران بگیرند. در واقع اروپایی‌ها با مطرح کردن سیاست‌های منطقه‌ای ایران، اشاعه موشکی و پهپادی به دنبال این بودند که امتیازهای بیشتری از ایران بگیرند. مسیر تقابلی برای اروپا نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. اروپایی‌ها عملاً در زمین اسرائیل بازی می‌کنند و فشار ترکیبی به ایران وارد می‌کنند. این فشار ترکیبی در قالب اقداماتی مانند دعوت پارلمان اروپا از رضا پهلوی، وضع تحریم‌های مستقل جدید علیه ایران، اتهام‌زنی‌های تروریستی، محکوم نکردن تجاوز اسرائیل به ایران، رفتار خصمانه در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و امثال اینها رخ می‌دهد. درست است که دستگاه دیپلماسی ایران همچنان پالس دیپلماسی ارسال می‌کند، اما رفتارهای اروپا پنجره دیپلماسی را می‌بندد. نگاه اروپایی‌ها این است که باید هر چه زودتر از مکانیسم ماشه استفاده کنند، چرا که اگر در چند هفته آینده اقدامی برای فعال کردن آن انجام ندهند، بر اساس مفاد برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ موعود این سازوکار تمام می‌شود و دیگر بی‌اثر می‌شود. رفتار تقابلی اروپا به شکلی است که حتی اگر مذاکراتی میان ایران و آمریکا مجدداً شکل بگیرد، اروپایی‌ها با دست خودشان امکان مشارکت فعال در چنین مذاکراتی را از خودشان گرفته‌اند.



عکس: The New York times

نظرخواهی

به پروتکل‌های الحاقی را رسماً پذیرفته‌بود و مهرماه امسال، تمامی قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت تحت فصل هفتم منشور ملل متحد که ایران را به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی تلقی می‌کرد، برای همیشه لغو می‌شد اما سال ۱۸۲۰ با تصمیم دونالد ترامپ برای خروج از این توافق و از سرگیری تحریم‌های مرتفع شده بر اساس برجام، که در چارچوب سیاست جدید «فشار حداکثری» دنبال شد، عملاً منافع ایران بر اساس برجام متوقف شد. ایران نیز هر چند تلاش کرد در گفت‌وگو با طرف‌های اروپایی باقیمانده در برجام، سازوکاری ایجاد کند که منافع از دست‌رفته به دلیل از سرگیری تحریم‌های آمریکا جبران شود، اما نهایتاً با ناتوانی اروپایی‌ها در تأمین منافع ایران، به تدریج تصمیم گرفت براساس اختیاراتی که در برجام داشت گام به گام تعهدات خود را در برجام کاهش دهد، تا اینکه حدود یک‌سال و نیم بعد از خروج دونالد ترامپ از برجام، ایران هم در گام پنجم کاهش تعهدات اعلام کرد که دیگر به هیچ‌یک از تعهدات هسته‌ای در قالب این توافق پایبند نیست.

۱۰ سال از انعقاد برجام و ۷ سال از خروج آمریکا از این توافق گذشته‌است. هر چند در طول سال‌های ریاست جمهوری جو بایدن، از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ فرصت‌هایی برای بازگشت همه طرف‌ها به برجام ایجاد شد، اما با تعلل و سیاست‌های غلط از سوی طرف‌ها، این فرصت‌ها همگی سوخت تا شرایط جدیدی بر روابط ایران و غرب حاکم شود. از سال ۱۴۰۱ تاکنون، روابط تهران با طرف‌های غربی در سرازیری سقوط قرار گرفته‌است. ادعای حمایت ایران از روسیه در جنگ اوکراین، ناآرامی‌های اجتماعی ایران در پاییز ۱۴۰۱، آغاز جنگ غزه در پاییز ۱۴۰۲ و روی کار آمدن مجدد دونالد ترامپ در زمستان ۱۴۰۳، باعث تغییرات اساسی در چارچوب مناسبات ایران و غرب در پرونده هسته‌ای شده‌است.

در دولت دوم دونالد ترامپ، هر چند مذاکراتی غیرمستقیم میان ایران و آمریکا برای یک توافق جدید هسته‌ای آغاز شد، اما به نظر می‌رسد که طرف‌های غربی از جمله آمریکا و سه کشور اروپایی باقی‌مانده در برجام (آلمان، انگلیس و فرانسه) دیگر مبانی مشترکی را که به انعقاد برجام منجر شد، قبول ندارند. اصرار کشورهای غربی، با این تصور که ایران پس از آغاز جنگ

خود نوشته‌شده بود و بر اساس آن تحریم‌های هسته‌ای غرب و شورای امنیت سازمان ملل متحد ایران به ازای پذیرش مجموعه‌ای از محدودیت‌ها برای سطح غنی سازی و میزان ذخیره مواد غنی شده در کنار تعهدات برای بازرسی‌های سختگیرانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، لغو می‌شد. اگر تعهدات برجام مطابق برنامه‌ریزی توافق پیش می‌رفت، امروز پرونده ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وضعیت عادی قرار گرفته‌بود، ایران تعهدات مربوط

اسنپ‌بک سند رسمی مرگ برجام خواهد بود

سال‌های اخیر به عنوان یک موضوع امنیتی برای خود تعریف کرده‌اند. چندین دور گفت‌وگوهایی که میان دیپلمات‌های ارشد جمهوری اسلامی ایران و مقام‌های اروپایی از پاییز سال گذشته تاکنون برگزار شد به اضافه دیدار سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با وزرای خارجه سه قدرت اروپایی و نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا از سطح این تنش‌ها نکاست. متأسفانه می‌توان گفت که با امنیتی شدن مجدد پرونده ایران، ایران به محور همگرایی آمریکا، اسرائیل و اروپا تبدیل شده‌است. به‌رغم اختلاف‌نظرهای متعدد و عمیقی که میان آمریکا و اروپا وجود دارد، در مورد ایران به اشتراک نظر رسیده‌اند. اروپایی‌ها بیش از پیش در حال نشان دادن همسویی و همراهی با آمریکا در خصوص پرونده جمهوری اسلامی ایران هستند. تا چند سال پیش، قدرت‌های اروپایی و اتحادیه اروپا تلاش می‌کردند با بر عهده گرفتن نقش میانجی و واسطه، دیدگاه‌های تهران و واشنگتن را به هم نزدیک کنند، اما در ماه‌های اخیر، به‌ویژه در دور دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ، اروپایی‌ها همراهی بیشتری با واشنگتن در خصوص پرونده ایران نشان داده‌اند.

به نظر می‌رسد که اروپایی‌ها در تهدیدهای شان در مورد فعال سازی مکانیسم ماشه جدی هستند و باید منتظر بود و دید که اروپایی‌ها تا چه اندازه ممکن است در مقابل تهدیدهایی که از سوی

حوزه موشکی و مسائل دیگر هم درک طرف غربی این است که ایران تضعیف شده‌است و در موضع ضعف قرار دارد. به همین جهت تصور آنها این است که فوریت تهدید ایران از بین رفته‌است، اما موجودیت تهدید همچنان باقی است. قدرت‌های غربی درصدد این هستند که از هر ابزاری استفاده کنند که دیگر اجازه ندهند، تهدیدی که فوریت آن از بین رفته‌است، دوباره به جایگاه قبلی خودش بازگردد. در این چارچوب هرگونه سخت‌گیری که از سوی طرف‌های غربی اعمال می‌شود، در همین چارچوب است که اجازه ندهند ایران قدرت قبلی خود را باز یابد.

در حال حاضر غرب از ابزارهای فشار خود علیه ایران استفاده می‌کند. مکانیسم ماشه یکی از تجلیات همین ابزار فشار است. به نظر می‌رسد که غرب جمع می‌به این نتیجه رسیده‌است که در شرایط کنونی با تصور تضعیف جمهوری اسلامی و تحلیل رفتن مولفه‌های قدرت‌ش با اشتراک مساعی و استفاده از ابزارهای فشاری که در اختیار دارد، می‌تواند امتیازهایی به مراتب فراتر از برجام از ایران بگیرد. در شرایطی که در برجام، آمریکا و متحدان غربی اش پذیرفته‌بودند که ایران سطح مشخصی از غنی سازی را انجام بدهد، اما هدف کنونی



شهاب شهسواری
خبرنگار گروه دیپلماسی

امروز دهمین سالگرد انعقاد برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) میان ایران و ۶ قدرت جهانی است؛ توافقی که به بر مبنای پذیرش حق ایران برای غنی سازی در خاک



مرتضی مکی
کارشناس مسائل اروپا

در حالی که از نظر ضرب‌الاجل تاریخی به سرعت به آخرین مهلت اروپا برای فعال سازی مکانیسم ماشه یا اسنپ‌بک بر اساس مفاد برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد نزدیک می‌شویم، دولت‌های اروپایی تلاش می‌کنند در این فرصت محدود زمانی که در اختیار دارند، برای پیشبرد خواسته‌ها و دریافت امتیازهای بیشتر، حداکثر فشار سیاسی را به جمهوری اسلامی ایران وارد کنند. قدرت‌های اروپایی در ماه‌های اخیر نشان داده‌اند که همسو با آمریکا و اسرائیل، خواهان تعطیل شدن کامل برنامه غنی سازی ایران و همچنین محدود شدن توان موشکی جمهوری اسلامی ایران هستند.

اروپایی‌ها از زمان وقوع ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ در ایران موضع بسیار تنش آمیزی را در قبال ایران در پیش گرفته‌بودند و موضوع برنامه هسته‌ای ایران در حاشیه دیگر موضوع‌های تنش آفرین، به‌ویژه همکاری‌های ادعایی ایران و روسیه در جنگ اوکراین قرار گرفت. دولت‌های اروپایی مسئله جمهوری اسلامی ایران را در



جهانبخش ایزدی
استاد روابط بین‌الملل

غرب، به عنوان غرب جمعی و در رأس آنها آمریکای دونالد ترامپ، بر این باور هستند که از منظر منطق قدرت، جمهوری اسلامی به حدی تضعیف شده‌است که دیگر مولفه‌های معامله‌گراییانه دوران برجام نمی‌تواند روی میز قرار داشته‌باشد. شعار دونالد ترامپ «صلح از طریق قدرت» است که می‌تواند معنای «معامله از طریق قدرت» یا «تضعیف از طریق قدرت» یا «حذف از طریق قدرت» هم داشته‌باشد. در واقع اجبار از طریق قدرت، در معادلات بین‌الملل رویکرد ریشه‌داری است. تصور آمریکا و متحدان غربی اش این است که در حال حاضر متحدان ایران در منطقه به شکل چشمگیری تضعیف شده‌اند. از طرف دیگر در حوزه هسته‌ای به وفور این ادعا تکرار می‌شود که مراکز غنی سازی ایران نابود شده‌است؛ هر چند با توجه به بومی شدن دانش هسته‌ای در ایران، استعداد از سرگیری برنامه هسته‌ای همچنان وجود دارد. در

آنها این است که ایران حق هیچ سطحی از غنی سازی را در خاک خود نداشته‌باشد. در عین حال برخلاف دوران مذاکرات برجام، شاهد این هستیم که دیگر غرب به دنبال توافق تک‌موضوعی با ایران در حوزه هسته‌ای نیست؛ امری که از سوی وزیر خارجه آلمان هم مورد تاکید قرار گرفت که باید «در مورد همه چیز با ایران توافق کنیم.» در این دیدگاه طرف‌های غربی به مذاکراتی علاقه‌مند هستند که در چارچوب آن همه اختلاف‌های موجود از جمله مسئله هسته‌ای، مسئله توانمندی‌های موشکی ایران، مسئله سیاست‌های منطقه‌ای ایران و نوع کنشگری ایران در قبال اروپا هم مورد مذاکره قرار گیرد. یکی از دلایلی که اروپایی‌ها هم در این قضیه در کنار آمریکا قرار گرفته‌اند، مسئله بعد جغرافیایی و حوزه امنیتی اروپا است که باعث می‌شود اروپایی‌ها به شکل ویژه نگران نوع کنشگری ایران در قبال خودشان باشند. ممکن است که آمریکا هیچ نگرانی معتبری نسبت به برنامه هسته‌ای ایران به عنوان یک کشور نداشته‌باشد. اما اروپایی‌ها دارای نگرانی معتبر هستند، چرا که اروپا در دسترس سلاح هسته‌ای فرضی ایران قرار می‌گیرد. در مورد برنامه موشکی ایران هم همین مسئله وجود دارد، اروپایی‌ها نسبت به برد موشک‌های جمهوری اسلامی ایران نگرانی دارند. مسئله ناامنی و بی‌ثباتی منطقه غرب آسیا و خاورمیانه هم برای اروپایی‌ها اهمیت دارد، چرا که بی‌ثباتی منطقه ما از طریق مسائلی مانند مهاجرت و ناامنی اروپا را مورد تهدید قرار می‌دهد. علاوه بر اینها مسئله حمایت نظامی ادعایی

پایان دوران برجام